

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه یزد
دانشکده علوم انسانی
گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی فقهی و حقوقی اعمال و جراحی‌های زیبایی

استاد راهنما:

دکتر محمود حائری

استاد مشاور:

دکتر علی تولائی

پژوهش و نگارش:

راضیه عطار

اسفند ۱۳۹۲

تقدیم به:

ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عج) که با استعانت از ایشان، این مهم محقق گردید تا انشاءالله در زیر سایه‌ی رحمت و برکاتشان به منصفه‌ی عمل رسیده و دیدگان ما به جمال دلربایشان روشن گردد.

تقدیم به او که حقیقت بهار در ظهورش تعبیر می‌شود.

تقدیر و تشکر:

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت-های او ندانند.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجلّ از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی‌شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان چیزی بنگارم اما از آنجا که، تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می‌کند؛ بر حسب وظیفه از همسر عزیزم، این معلم بزرگوار! که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت‌هایم گذشته و در تمام عرصه‌های زندگی یار و یآوری بی‌چشم داشت برای من بوده‌است؛

از اساتید محترم آقایان دکتر محمود حائری و دکتر علی تولائی که زحمت راهنمایی و مشاوره‌ی این رساله را بر عهده داشته‌اند؛

و از خانواده‌ی عزیزم که همواره پشتیبان من بوده‌اند؛ کمال قدردانی و تشکر را دارم.

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

چکیده

گسترش اعمال و جراحی‌های زیبایی در جامعه سبب شده که حکم فقهی آن، مورد سؤال قرار گیرد، در این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته شده است که آیا اعمال و جراحی زیبایی از نظر شرعی جایز هستند؟ ادله‌ی جواز جراحی زیبایی چیست؟ و اگر جراح زیبایی، آسیبی به داوطلب وارد کند آیا ضامن است؟

در این پژوهش که به روش توصیفی، تحلیلی صورت گرفت این نتیجه حاصل شد که اعمال زیبایی در شرایط مختلف، دارای احکام تکلیفی متفاوت می‌باشند، در خصوص جراحی زیبایی میان فقها اختلاف نظر وجود دارد که بنا به دلایل موجود، نظریه‌ی جواز پذیرفته شد این دلایل عبارتند از: تمسک به آیه- ی ۳۰ سوره‌ی بقره، قاعده‌ی سلطنت، وجود منفعت عقلایی، اصالة الاباحه.

پس از بررسی‌های به عمل آمده در زمینه‌ی ادله‌ی ضمان و عدم ضمان پزشک این نتیجه حاصل گردید که تعهد جراح در جراحی زیبایی تعهد به نتیجه است و اگر وی، آسیبی به داوطلب وارد کند، در صورتی که عمل وی، مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود، ضامن نیست.

واژگان کلیدی:

جراحی پلاستیک، جراحی زیبایی، اعمال زیبایی، ضمان، تغییر خلقت.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۵
۱-۱ تعریف زیبایی.....	۷
۱-۱-۱ واژگان معادل زیبایی.....	۹
۱-۱-۱-۱ جمال.....	۹
۱-۱-۱-۲ زینت.....	۹
۱-۱-۱-۳ آرایش.....	۱۰
۱-۱-۱-۴ پیرایش.....	۱۱
۲-۱ نظر اسلام پیرامون زینت و زیبایی.....	۱۱
۳-۱ زیبایی در آیات و روایات.....	۱۲
۱-۳-۱ زیبایی مادی.....	۱۳
۲-۳-۱ زیبایی معنوی.....	۱۴
۴-۱ تعریف اعمال زیبایی.....	۱۶
۵-۱ تعریف جراحی.....	۱۷
۶-۱ جراحی پلاستیک.....	۱۸
۱-۶-۱ جراحی ترمیمی.....	۱۹
۲-۶-۱ جراحی زیبایی.....	۲۰
۱-۲-۶-۱ انواع جراحی زیبایی.....	۲۰

۲۳ ۲-۲-۶-۱ علل و انگیزه‌های داوطلبین جراحی زیبایی
۲۷ ۳-۲-۶-۱ تاریخچه‌ی اعمال و جراحی‌های زیبایی در جهان
۲۹ ۴-۲-۶-۱ تاریخچه‌ی اعمال و جراحی‌های زیبایی در ایران
۳۲ فصل دوم: حکم تکلیفی اعمال و جراحی‌های زیبایی
۳۴ مقدمه
۳۴ ۱-۲ اعمال زیبایی مختص زنان
۳۵ ۱-۱-۲ آرایش کردن
۳۹ ۲-۱-۲ کندن مو و اصلاح صورت
۴۰ ۱-۲-۱-۲ نظریه حرمت و مستندات آن
۴۱ ۱-۲-۱-۲-۱ استناد به آیه ۱۱۹ سوره نساء
۴۲ ۱-۲-۱-۲-۱ بررسی مفردات آیه شریفه
۴۴ ۲-۱-۲-۱-۲ توضیحات پیرامون آیه
۴۶ ۳-۱-۲-۱-۲ آراء مفسران شیعه
۵۰ ۴-۱-۲-۱-۲ آراء مفسران اهل سنت
۵۲ ۵-۱-۲-۱-۲ تطبیقات فقهی
۵۵ ۶-۱-۲-۱-۲ نظر برگزیده
۵۶ ۲-۱-۲-۱-۲ استناد به روایت علی بن غراب
۵۹ ۲-۲-۱-۲ نظریه جواز و مستندات آن
۶۰ ۳-۱-۲ برداشتن ابرو
۶۰ ۱-۳-۱-۲ نظریه حرمت
۶۱ ۲-۳-۱-۲ نظریه جواز

- ۴-۱-۲ برداشتن کک مک و خال‌های پوستی..... ۶۲
- ۵-۱-۲ سوراخ کردن گوش..... ۶۳
- ۱-۵-۱-۲ نظریه حرمت..... ۶۳
- ۲-۵-۱-۲ نظریه جواز و مستندات آن..... ۶۳
- ۲-۲ اعمال زیبایی مشترک میان مردان و زنان..... ۶۴
- ۱-۲-۲ وصل مو در زنان..... ۶۵
- ۱-۱-۲-۲ گذاشتن کلاه‌گیس از موی انسان..... ۶۵
- ۱-۱-۱-۲-۲ نظریه حرمت و مستندات آن..... ۶۶
- ۲-۱-۱-۲-۲ نظریه جواز و مستندات آن..... ۶۹
- ۲-۱-۲-۲ گذاشتن کلاه‌گیس از موی حیوان..... ۷۶
- ۲-۲-۲ وصل مو در مردان..... ۷۶
- ۳-۲ حکم تکلیفی جراحی زیبایی..... ۷۷
- ۱-۳-۲ نظریه حرمت و مستندات آن..... ۷۷
- ۱-۱-۳-۲ آیات..... ۷۷
- ۲-۱-۳-۲ عدم مالکیت انسان نسبت به اعضای بدنش..... ۸۱
- ۲-۳-۲ نظریه جواز و مستندات آن..... ۸۵
- ۱-۲-۳-۲ تمسک به آیه ۳۰ سوره بقره..... ۸۵
- ۲-۲-۳-۲ تمسک به قاعده سلطنت..... ۸۹
- ۱-۲-۲-۳-۲ مدارک قاعده سلطنت..... ۸۹
- ۲-۲-۲-۳-۲ مفاد قاعده سلطنت..... ۹۲
- ۳-۲-۲-۳-۲ تسلط انسان بر نفس و اعضاء..... ۹۳

۹۵۴-۲-۲-۳-۲ فروش اعضای بدن.....
۹۶۳-۲-۳-۲ وجود منفعت عقلایی.....
۹۷۴-۲-۳-۲ اصالة الاباحه و اصالة الحلیة.....
۹۸۴-۲ حکم تکلیفی جراحی ترمیمی.....
۱۰۰فصل سوم: مسئولیت مدنی جراح زیبایی.....
۱۰۱مقدمه.....
۱۰۱۱-۳ بررسی مواد قانونی مرتبط با طبیب.....
۱۰۳۲-۳ مسئولیت پزشک.....
۱۰۳۱-۲-۳ ادله‌ی عدم ضمان پزشک.....
۱۰۴۱-۱-۲-۳ روایات.....
۱۰۴۲-۱-۲-۳ اخذ براءت از بیمار.....
۱۰۷۳-۱-۲-۳ اذن مریض.....
۱۰۷۴-۱-۲-۳ جایز بودن پزشکی و طبابت از نظر عقل و شرع.....
۱۰۸۵-۱-۲-۳ قاعده احسان.....
۱۰۸۶-۱-۲-۳ واجب کفایی بودن طبابت.....
۱۰۹۷-۱-۲-۳ استناد به قاعده «نفی عسر و حرج».....
۱۰۹۸-۱-۲-۳ قاعده حرمت اختلال در نظام و لزوم سلامتی جامعه.....
۱۰۹۹-۱-۲-۳ ملازمه بین حکم عقل و شرع.....
۱۱۰۲-۲-۳ ادله ضمان پزشک.....
۱۱۰۱-۲-۲-۳ روایت.....
۱۱۱۲-۲-۲-۳ اطلاق ادله ضمان.....

- ۱۱۱ ۳-۲-۲-۳ قاعده احترام به مسلمان
- ۱۱۲ ۴-۲-۲-۳ اجماع
- ۱۱۳ ۳-۳ ماهیت تعهد پزشک
- ۱۱۳ ۱-۳-۳ تعهد به وسیله
- ۱۱۳ ۲-۳-۳ تعهد به نتیجه
- ۱۱۵ ۴-۳ ماهیت تعهد جراح زیبایی
- ۱۱۸ ۵-۳ قانون مربوط به جراحی زیبایی
- ۱۲۰ ۶-۳ ضرورت بازنگری در قوانین مربوط به جراحی زیبایی
- ۱۲۳ جمع بندی و نتیجه گیری
- ۱۲۵ پیشنهادات
- ۱۲۷ فهرست منابع و مآخذ

یکی از مسائل بسیار مهمی که امروزه از سوی مردم مورد پرسش قرار می‌گیرد حکم فقهی اعمال و جراحی‌های زیبایی است چرا که این اعمال رشد روز افزونی در جامعه داشته است. اعمال زیبایی، مجموعه اعمالی است که فرد برای آراستن و مرتب کردن خود انجام می‌دهد این اعمال یا از طریق کاستن است مانند: بند انداختن و اصلاح صورت و یا از طریق افزودن است مانند: وصل موی مصنوعی.

در مورد جراحی پلاستیک باید گفته شود که این نوع جراحی به دو دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: الف) جراحی ترمیمی یا بازسازنده: بازگرداندن ظاهر یک بدن یا عملکرد آن به حالت طبیعی بعد از جراحت یا معلولیت ب) جراحی زیبایی: تغییرات بدنی است که قبلاً دارای پارامترهای طبیعی بوده این نوع جراحی برای افزایش خشنودی و بهبود اعتماد به نفس انجام می‌شود و این نوع جراحی با توجه به بدن به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- جراحی اجزای صورت ۲- جراحی سایر نواحی بدن.

اعمال زیبایی از زمان‌های قدیم میان مردم رایج بوده لذا حکم فقهی این اعمال در کتب فقهی وجود داشته به عنوان مثال در مبحث زن آرایشگر که ماشطه گفته می‌شود می‌توان برخی از مصادیق اعمال زیبایی را دنبال کرد، اما در مورد جراحی زیبایی در کتب قدیمی، حکمی وجود ندارد زیرا این جراحی‌ها جزء مسائل مستحدثه محسوب می‌شوند و در میان فقهای معاصر در این باره اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی از آنها جراحی زیبایی را با شرایطی جایز می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را جایز نمی‌دانند. حال اگر پزشک جراح در صورت عدم ضرورت به جراحی زیبایی بپردازد آیا مسئول است؟

هدف از اجرای این پژوهش، فراهم کردن بستر مناسب برای پاسخ به سؤالات زیر است:

۱- حکم تکلیفی و مبنای فقهی اعمال و جراحی‌های زیبایی برای فرد مکلف و برای سایرین در قبال

وی (در فرض جنایت جانی) چیست؟

۲- نقش انگیزه در حکم تکلیفی اعمال و جراحی‌های زیبایی چیست؟

۳- مبنای عدم ضمان پزشک آیا برائت طیب است یا اقدام بیمار علیه خودش؟

۴- در صورت حرمت اعمال و جراحی‌های زیبایی آیا قرارداد با آرایشگر یا پزشک باطل است؟

ارائه پاسخ مناسب به سؤالات پژوهشی فوق سبب شناسایی حکم تکلیفی اعمال و جراحی‌های زیبایی می‌شود تا بدین وسیله مواد قانونی سابق را اصلاح کرده و قوانین مناسبی در این زمینه وضع گردد. با بررسی و مطالعه در سایت‌های اینترنتی و معجم‌های فقهی، کتاب یا رساله‌ی مستقلی که در فقه امامیه در رابطه با این موضوع به رشته‌ی تحریر در آمده باشد، مشاهده نشد. البته در کتب فقهی و رساله‌های عملیه به طور مختصر به مسائل مربوط به جراحی زیبایی، وصل مو، اصلاح صورت و... پرداخته شده و حکم آنها را بیان نموده است مانند: کتاب *الفقه و مسائل طبیه* نوشته‌ی محمدآصف محسنی قندهاری (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم، ۱۴۲۴ق).

شایان ذکر است در برخی مقالات، مباحثی درمورد اعمال و جراحی‌های زیبایی نگارش یافته که در این مقالات افرادی که اقدام به جراحی زیبایی می‌کنند را از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بررسی می‌کنند به عنوان نمونه این موارد قابل ذکر است: الف) عذرا محمدپناه اردکان - رحیم یوسفی «بررسی باورها درمورد ظاهر و احساس کهنتری در افراد داوطلب جراحی زیبایی» مجله پوست و زیبایی تابستان ۹۰، دوره ۲، شماره ۲، صفحات ۸۵ تا ۹۷، ب) نعیمه محب - داوود حسینی نسب - پریسا کلاهی «بررسی مقایسه‌ای اختلالات شخصیتی در میان طالبان جراحی زیبایی و افراد عادی» مجله زن و مطالعات خانواده، سال اول، شماره ۳، بهار ۸۸، صفحات ۹۱ تا ۱۰۶، ج) مریم مختاری - حلیمه عنایت «نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان» مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، پاییز ۹۰، صفحات ۶۷ تا ۸۷. و ما در اینجا قصد داریم جراحی زیبایی را از جنبه‌ی فقهی آن بررسی کنیم و به بیان این نکته پردازیم که آیا جراحی زیبایی جایز است؟ و در صورتی که داوطلب جراحی زیبایی دچار نقص عضو شود آیا پزشک ضامن است؟

لازم به ذکر است که در خصوص جراحی زیبایی، مطابق با آراء اهل سنت ۲ کتاب و ۱ پایان نامه تدوین شده است:

۱- شنیطی، محمد بن مختار، احکام الجراحة الطیبة و آثار المترتبة علیها، جده مکتبة الصحابة، دوم، ۱۴۱۵ق.

۲- فوزان، صالح بن محمد، الجراحة التجمیلیة، الرياض، دارالتدمیریة، اول، ۱۴۲۸ق.

۳- ابومطر، سوزان و فیک محمد، التعديل الجراحی علی جسم الإنسان، رساله‌ی فوق لیسانس، کلیة الشریعة و القانون فی جامعة الاسلامیة، غزه، ۱۴۳۰ق.

روش تحقیق در پژوهش حاضر روش توصیفی - تحلیلی در چهارچوب فقه امامیه است و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای اسلامی تبیین می‌گردد.

فصل اول:

کلیات

۱-۱ تعریف زیبایی

زیبایی به متغیرهایی همچون زبان، فرهنگ، سابقه‌ی قومی و نژادی، سطح اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد بنابراین تعریف جامعی از زیبایی وجود ندارد؛^۱ ولی بعضی از تعاریف را از باب آشنایی با زوایای زیبایی ارائه می‌دهیم:

برخی گفته‌اند:

«زیبایی همان خوبی و نیکویی است؛ حسن و جمال و ظرافت و لطافت و برازندگی است و حالت و کیفیت زیبا عبارت است از: نظم و هماهنگی و پاکی که در شیئی وجود دارد و عقل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت و انبساط خاطر پدید می‌آورد و امری نسبی است».^۲

ارسطو زیبایی را این گونه تعریف می‌کند:

«آنچه که از تعادل و هماهنگی اجزاء و دقیق بودن برخوردار باشد، زیباست».^۳

بوالو چنین گفته است:

«چیزی جز حقیقت، زیبا نیست».^۴

بررسی این تعاریف نشان می‌دهد که برای تشخیص زیبایی، هیچ معیار و ملاکی وجود ندارد، بلکه درک زیبایی غریزی است. بعضی ملاک زیبا بودن را اثرگذاری روی حواس ظاهری ما می‌دانند، اثر روی چشم، گوش و... به طوری که لذت بخش باشد.^۵

^۱ - قاسمی، مسعود و دیگران، اصول جراحی پلاستیک و ترمیمی صورت، ج اول، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۷۹ ش، ص ۸۳.

^۲ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، ج ۵۰، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۴ ش، ج ۲۶، ص ۵۹۹.

^۳ - محدثی به نقل از محمدی همدانی، اصغر، ده رساله فقهی حقوقی در موضوعات نوپیدا، انتشارات جنگل - جاودانه، تهران، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۳۵.

^۴ - همان منبع، ص ۲۳۵.

^۵ - همان منبع، ص ۲۳۶.

اگر در تعاریف ذکر شده دقت کنیم درمی‌یابیم، زیبایی به زیبایی حسی، محدود نیست و زیبایی‌های معنوی و اخلاقی را هم شامل می‌شود. و چه حقیقتی بالاتر و ماندگارتر از زیبایی‌های معنوی و اخلاقی. چنان که گفته شد: فقط حقیقت زیبا است.

اگر نقش و نگار منظم در یک گل، حس زیبایی را در انسان برمی‌انگیزد و زیبا تلقی می‌شود، روح ایثارگری و شهادت طلبی، ترحم به زیردست و شفقت به پدر و مادر هم زیباست؛ چون موافق طبع زیبایی طلب آدمی است و تمام این زیبایی‌ها و زیبایی طلبی‌ها، هدیه‌ای گرانبها از جانب خداوند حکیم است،^۱ و خداوند از زبان امام علی (ع) این‌گونه توصیف می‌شود: «ان الله جمیل و یحب الجمال».^۲

زیبایی وابسته به عوامل و پایه‌هایی است، که اگر این‌ها نباشند زیبایی اصلاً مفهوم ندارد این عوامل عبارتند از: نظم در اشیاء، دقت و پیوستگی، ارتباط اجزاء همراه با وقار. خلل در وجود این ارکان، باعث نابودی و انهدام زیبایی می‌شود.^۳

قرآن کریم نیز با ادعای وجود چنین ارکانی، مدعی نفی آن را به مبارزه خوانده و می‌فرماید: «ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ»^۴ در خلقت حضرت پروردگار تفاوت نمی‌بینی، دیدگان را بگردان که هیچ سستی در آن نمی‌یابی. خداوند که آفریدگار تمام زیبایی‌هاست در این آیه صراحتاً اعلام می‌فرماید که هیچ نقصی میان این جهان آفرینش وجود ندارد.

^۱ - محدثی به نقل از محمدی همدانی، اصغر، ده رساله فقهی حقوقی در موضوعات نوپیدا، صص ۲۳۵-۲۳۶.

^۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الاسلامیه)، علی اکبر غفاری، ۸ ج، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۳۸.

^۳ - محدثی به نقل از محمدی همدانی، اصغر، همان منبع، ص ۲۳۶.

^۴ - سوره ملک/ ۶۰

۱-۱-۱ واژگان معادل زیبایی

زیبایی مفهوم وسیعی است که واژگان زیادی این معنا را به ذهن متبادر می‌سازند از جمله: جمال، زینت، آرایش، پیرایش و ... در اینجا به بررسی این موارد پرداخته می‌شود:

۱-۱-۱-۱ جمال

دهخدا می‌نویسد: «جمال یعنی خوب صورت و نیکو سیرت، گردیدن و در اقرب موارد جمال را زیبا بودن گفته است»^۱. «جمال به معنی حسن و زیبایی بسیار است جمال آن است که موجودی دارای تناسب و اعتدال در اعضا باشد. جمال بر دو نوع است: یکی آنکه در نفس انسان، یا در بدنش و یا در رفتار و افعالش می‌باشد و نوع دیگر جمال، آن خوبی است که انسان به دیگری می‌رساند»^۲.

۱-۱-۱-۲ زینت

زینت در لغت به معنای آرایش، زیب، آراستن، حلیه، زبرج، پیرایش، پیرایه و زخرف می‌آید.^۳

^۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۶، ص ۹۱.

^۲ - راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، صفوان عدنان داودی، ج ۱، دارالعلم - الدارالشامیه، لبنان - سوریه، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۲.

^۳ - دهخدا، علی اکبر، همان منبع، ج ۲۶، ص ۶۵۲.

زینت در اصطلاح یعنی: «آن چیزی که انسان را در هیچ یک از حالاتش نه در دنیا و نه در آخرت، آلوده و ناپاک نمی‌سازد، زینت بر سه گونه است: ۱- زینت باطنی مثل علم و اعتقادات خوب ۲- زینت بدنی مثل نیرومندی و بلند قامتی ۳- زینت خارجی مثل زیور و مال»^۱.

فقها در مورد زینت، مصادیقی ذکر کرده‌اند: مراد از زینت پوشیدن لباس فاخر، استعمالِ روغن و عطریات، سرمه یا سایه چشم کشیدن، حنا بستن یا رنگ کردن ناخن و ابرو، سفیداب مالیدن بر صورت و امثال اینها است که عرفاً بدان زینت گویند.^۲ بلند گذاشتن ناخن، کندن موی صورت، برداشتن ابرو و... جزء زینت‌های زنانه به حساب می‌آیند. مصادیق زینت منحصر در این موارد نیست بلکه زینت یک امر عرفی است.

۱-۱-۱-۳ آرایش

آرایش از نظر لغوی به معنای «آراستن، زینت دادن و مرتب گردانیدن آمده که گستره‌ی محدودی از فن را شامل می‌شود. این کلمه با حروف عربی: تزین، تزین به معنای آراستن، جلوه کردن در زبان عربی به کار رفته است»^۳.

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج اول، مرکز الکتاب للترجمه و النشر، تهران، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۳۷۴؛ راغب، حسین، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۳۸۸.

۲- ابن ادریس، محمد، *السرائر*، ج ۲، ص ۷۳۹؛ محقق حلی، جعفر، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، عبدالحسین محمدعلی بقال، ج ۴، ص ۲، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۷.

۳- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، ج ۲، ص ۶۹.

این لغت به معنای «برش دادن، برداشتن زیادتی‌ها و ازبین بردن ناهمواری‌ها و رساندن فرد یا هر چیز پیراستنی به حد مطلوب از نظر نمای ظاهر است»^۱.

۲-۱ نظر اسلام پیرامون زینت و زیبایی

خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفریده است که طالب زیبایی و آراستگی است به این صورت که کمال‌خواهی را، در فطرت و طبیعت انسان قرار داده است. شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: «گرایش انسان به زیبایی و جمال، یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی، تناسب و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است»^۲.

اسلام نه تنها انسان را از زینت منع نکرده است بلکه انسان را به آن سفارش کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمُ عِندَکُلِّ مَسْجِدٍ»^۳.

خطاب «یا بَنی آدَمَ» اگرچه به پسرانِ آدم است لکن مراد اعم از مردان و زنان است که از باب تغلیب، تعبیر به بنی آدم شده است و مراد از «خُذُوا زینَتَکُمُ» مطلق تزئین است که شامل، پوشیدن لباس فاخر و پاک، شانه زدن ریش و مو، عطر زدن، انگشتر فاخر در دست کردن و سایر زینتها است و معنای «خُذُوا» یعنی خود را زینت کنید مخصوصاً در مقابل کفار و معاندین که اینها باعث عظمت اسلام و مسلمین می‌شود.^۴

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۲، ص ۹۴۱.

۲. مطهری، مرتضی، فطرت، صدرا، تهران، ۱۳۶۲ش، ص ۸۰.

۳. اعراف/۳۱

۴. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۳۰۶.

« قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ »^۱ یعنی در تمام شرایع، چیزهایی که انسان به آنها مزین می‌شود حلال بوده است زیرا موجب حفظ شئونات می‌گردد و تمامی این‌ها برای استفاده‌ی بشر خلق شده‌اند و فقط لباس ابریشم خالص و طلا برای مردان مخصص این آیه هستند.^۲ علاوه بر این آیات، روایات فراوانی وجود دارد که دلالت بر مطلوبیت زینت و آرایش دارد و آن را از نعمت‌های خداوند به شمار می‌آورد و حتی در کتب حدیثی بابی تحت عنوان «باب التجميل و اظهار النعمة»^۳ آورده‌اند.

تعدادی از این روایات عبارتند از:

«خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و هرگاه نعمتی را به بنده‌ای اعطا می‌کند دوست دارد اثر آن را بر بنده‌اش ببیند».

«خداوند زیبایی و زینت را دوست دارد و از آلودگی و ناپاکی متنفر است».^۴

بنابراین براساس آیات و روایات، زینت کردن و آراستگی نه تنها مذموم نیست و از آن نهی نشده است بلکه امری مطلوب و پسندیده است که به آن سفارش شده است. البته مواردی وجود دارد که در بعضی حالات از آنها نهی شده است.

۱-۳ زیبایی در آیات و روایات

زیبایی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: زیبایی مادی و زیبایی معنوی.

۱. اعراف/۳۲.

۲. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان*، ج ۵، ص ۳۰۸.

۳. کلینی، محمد، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۳۸.

۴. همان منبع، ج ۶، ص ۴۴۰.